

شرح بیانات حضرت آقا ۲

بسم الله الرحمن الرحيم.

صفحه ۴۲۶ قرآن را بیاورید. آیه ۶۰ سوره احزاب. در مورد شرح فرمایشات حضرت آقا که به نظر می‌آید چند نکته را باید اشاره کرد. ببینید، یک جریانی متأسفانه گاهی اوقات راه می‌افتد، مبنی بر اینکه هرکسی امروز بخواهد زنده بماند و نهبیب بزند، به عنوان مرجفون، گاهی اوقات از یاد می‌شود. این کار خطرناکی است که حالا بهتون نشان می‌دهم چرا خطرناک است که اتفاقاً جا و فضا را باز می‌کند برای کار معوقین به عبارتی. آن جمع سالم بین اینکه انسان نهبیب بزند، خطراً دید و بعد امیدآفرین هم باشد، این جمع سالم مهم است. وگرنه یک فاصله‌ای است بین دو تا مفهوم: یکی رجا و امید، یکی امنیه و خوش خیالی.

امیدآفرینی صرف ممنوع

قرآن اتفاقاً کاری که می‌کند، و خود حضرت آقا هم این حرکت را این دفعه زدند، این است که خسارت را می‌گوید، شکست را می‌گوید، زمینه‌های این شکست و شکست را هم می‌گوید. اگر نگوید و صرفاً امیدآفرینی بکند، این می‌شود همان امنیه، می‌شود خوشخیالی. می‌گوید و به بن‌بست نمی‌رساند. این کار درست است. اگر انسان خسارت نگوید، نگوید سید حسن نصرالله وقتی شهید شد، یک خسارت بود واقعاً. از پارس جنوبی حتماً خسارتش بیشتر بود شهادت حسن نصرالله، کما اینکه شهادت حضرت حمزه هم اینجوری بود. بعداً در ماجرای سقیفه معلوم شد این چه قدر خسارت بود. خب انسان اگر خسارت نگوید، اگر شکست نگوید، مثل اینکه احد را عرض کردیم، شکست را می‌گوید و رو به جلو حرکت می‌کند. وگرنه عبرت‌ها را کی باید بگوید؟

حالا یک عده بعد از این بیانات هم نمی‌دانم چرا، با این که خود حضرت آقا هم تبیین خسارت میکنند، یعنی می‌گویند که سید حسن نصرالله رفتنش خسارت است. یا جریانات سوریه، به هرجهت، و از دست رفتن سوریه یک خسارتی به جهت است، یک شکستی محسوب می‌شود. اما اینکه شما از شکست، پل پیروزی درست کنید، تهدید را به فرصت تبدیل کنید، این کار قرآن [است]، این کار در حقیقت حضرت آقا است. لذا این تبیین، یک تبیین جامعی است. و آن موقع نکته‌ای که هست اینجاست که شما هر بیعتی در مواقع حساس با رهبر، هر بیعتی شما را در معرض یک جهش قرار می‌دهد، مثل بیعت رضوان. بیعت رضوان همین بود. بیعت رضوان، در سوره فتح دیدیم، حالا اگر هم لازم باشد یک بار دیگر می‌بینیم این آیات را. بیعت رضوان در فضایی اتفاق افتاد که در صلح حدیبیه، به دلیل کم کاری عده‌ای، به جامعه اسلامی تحمیل شد. منتهای مراتب، این بیعت رضوان که اینها بسته بودند، زمینه‌های فتح خیر و فتح مکه را این بیعت درست کرد که این را در سوره فتح مفصل گفتیم. ممکن است صرفاً یک نگاهی بیندازیم، ولی به این توجه بکنید. یک نکته مهم است. لذا انسان‌ها را به دلیل اینکه نهبیب می‌زنند، اینها را زنده می‌دهند به اتفاقات افتاده و شکست‌ها را بیان می‌کنند، بله، اگر نگویند که این اتفاقات باعث می‌شود یک اتفاق خیلی بزرگ می‌شود، این نامیدکننده است در این صورت.

وگرنه در این لبه قضیه هم من دیدم همه می‌گویند نه، ما سوریه را از دست دادیم. اینها جزء مثلاً اتفاقات خوب ماست. سید حسن نصرالله را از دست دادیم، این جزوه افتخارات ماست که ما چنین شهدایی داریم، تقدیم می‌کنیم. این چه حرفی است که مثلاً ما انقدر چیزیم که چنین شهدایی را تقدیم می‌کنیم؟ خب ببینید، آن موقع آن مرجفون که عرض کردم، این مرجفون را ببینید در این آیه. اصلاً ربطی ندارد این بحث به کسانی که دست‌و‌پا دارند می‌گویند، دارند نهبیب می‌زنند، زنده می‌دهند، خطرات را می‌گویند، خطرات را می‌بینند، تحلیل می‌کنند، می‌گویند. مرجفون بعد از جریان، نگاه کنید، آیه اش نگاه کنید. بعد از جریان جنگ احزاب که جنگ نرم فرهنگی شروع شد که با بحث حجاب هم شروع شد، که «يَأْتِيهَا النَّبِيُّ فُلٌ لَّازِرٌ وَجَكَ وَبَنَانِكَ وَنَسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيَّهِنَّ مِنْ جَلْبَابِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ» این رو و سوار بر جریان زن، زندگی، آزادی، عده‌ای سوار بر این جریان شدند و هدایت شده یک طرح را بردند جلو و آن طرح زمینگیر کردن نرم جامعه دینی (بود). یک کار طاغوتی، نه یک کار معمولی. در حقیقت حالا کسی چه میدانم، خودش معتاد است، می‌خواهد آن بغل دستی‌اش هم معتاد کند. نه، اینجوری نبوده، یعنی از سر فحشا یا اشاعه فحشا نبوده است، نه، بلکه از سر یک حرکت منسجم طاغوتی بوده است.

با این اتفاقی که افتاد، پیغمبر شمشیر می‌کشد در مقابل اینها که «لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَلُغْرِيَّتِكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا». پیغمبر اگر این منافقون بس نکنند، این «وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ». این کسانی که دارند رجه و لرزه ایجاد میکنند در شهر پیغمبر که این اصل این رجه و لرزه هم فتنه زن، زندگی، آزادی آن موقع بوده است. خب اگر این کار را نکنند، «لَلُغْرِيَّتِكَ بِهِمْ» تو را علیه آنها می‌شورانیم، آن موقع تو آنها را تبعید می‌کنی، می‌اندازی بیرون «مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا تُقِفُوا أُجِدُوا وَقَتَلُوا تَقْتِيلًا» در این حد است که ریز ریزشان میکنیم. این هم سنتی است که «سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ

تَبْدِيلًا». خلاصه می‌خواهم بگویم این بحث مرجفون، هیچ ارتباطی به این بحث ندارد. کما اینکه خیلی استشهداد به آیات در این مدت زیاد بود که ارتباط نداشت. این هم یک حرکت از سر قوه قهریه است.

مجازات بدون رافت طاغوت

این چیزی است که اتفاقاً یادتان هست؟ لوط را، حضرت لوط را بیان کرد که «قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةٌ أَوْ آوِيٍّ إِلَىٰ زُكْنٍ شَدِيدٍ»؟ یادتان هست که (میگفت) ای کاش من قوه ای داشتم یا تکیه گاه نفرات تعیین کننده داشتم. ببینید قوه یعنی کاش من زور داشتم. استفاده از قوای شدید همیشه اینطور نیست که «قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةٌ أَوْ آوِيٍّ إِلَىٰ زُكْنٍ شَدِيدٍ» یعنی اینجور نیست که همیشه نظام اسلامی بنشیند نصیحت کند که، هیچ وقت این کار را نمی‌کند. در هیچ جای دنیا این کار را نمی‌کنند. اعمال زور می‌کنند به عبارتی. یعنی آن طرفی که یک گناهی برداشته است این مدلی را درست کرده و اینها، یا کسانی که دزدی می‌کنند، نصیحت نمی‌کنند که. بله، این نصیحت مال توده مردم فلان است. اما یک سری آدم‌هایی که یک کاری را پایه‌گذاری می‌کنند، دزدی می‌کنند، در همه جای دنیا را می‌گیرند، می‌کنند در هلفدونی. ببینید، من الان کاری به بحث قانون حجاب ندارم. قانون حجاب خوب است، بد است، ولی لااقل برای یک عده باید بگیرند بیاندازند هلفدونی. اصلاً یک عده‌ای که از شهرداری شناسایی شدند اینها آن موقعی که در شهرداری رفت و آمد، شناسایی شدند. یعنی اصلاً ترویج کننده این کار هستند. اصلاً پول می‌گیرند بابت این کار. اینها را حتماً باید بگیرند بکنند در هلفدونی. اینی که می‌گویند چرا از قوه قهریه استفاده می‌کنید، در همه جای دنیا از قوه قهریه استفاده میشود، اتفاقاً خیلی هم کار خوبی است.

اصلاً قصاص، دیات، حدود، تمام اینها در احکام اسلامی، در حقیقت اینها همه خلاصه زمینه‌سازی این است که حکومت اسلامی برای شکل‌گیری و استفاده از قوه قهریه است در ارتباط با یک سری آدمی که ورود ممنوع‌های خیلی سنگین را می‌یابند. هرکسی که ورود ممنوع می‌یابد. یک سیستمی دارد. من اینها را گفتم به مجلس آن موقعی که ارتباط داشتیم. اتفاقاً یک کار دین این نیست که همه مجرمین را جریمه کند. اصلاً اینجوری این مدلس نیست. کار دین، این است که یک سری مدل آدم فاجر را می‌گیرد، پوستشان را می‌کند، بعد از رسانه‌های می‌کند. برای چیست در بحث زنا می‌گویند که خلاصه «وَلْيَشْهَدْ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ». یک طایفه‌ای باید بنشینند، این چیزها را ببینند. بعدش هم «وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ» بعد از بقیه مستشان را کیسه می‌کنند.

یعنی قرار نیست وقتی که می‌خواهد بیاید جریمه بکند، بیاید تمام متخلفین را جریمه بکند، حالا کم یا زیاد. نه، اصلاً این کار را نمی‌کند. تمام متخلفین، چشم اندازش این مدلی نیست. یک عده را که خلاصه نقشان کشید، آن موقع بقیه حساب کار دستشان می‌آید که چه کارهایی می‌توانند بکنند و چه کارهایی نمی‌توانند در سطح جامعه. نه اینکه کلاً چه کارهایی می‌توانند بکنند و چند بار این را عرض کردم. حالا هی هم داریم متعرض حضرت لوط میشویم. به خاطر همین است که چند بار عرض کردم حضرت لوط همین را می‌گوید. می‌گوید در سوره عنکبوت فکر کنم. می‌گوید «وَتَأْتُونَ فِي نَادِيكُمْ الْمُنْكَرَ» شما منکر را آوردید در پابلیک، در حقیقت آوردید در ملاعام. منکر در ملاعام. این اشتباه است. کسانی که بسیار دارند اینکار را می‌کنند، آنها را باید بهشان آدم حواسش را جمع بکند. اگر این را حواسمان نباشد آیه ۱۸ همین سوره احزاب را ببینید.

صفحه ۴۲۰. حالا سر بحث قانون حجاب اگر لازم شد، یک موقعیت مشکل این قانون را عرض میکنیم. ولی این حتماً اجرا نمی‌شود. ببینید، سنگ بزرگی است که حتماً اجرا نمی‌شود و غلط است. به لحاظ محتوایی غلط در آن هست. یعنی به لحاظ چشم‌اندازی غلط در آن وجود دارد. آیه ۱۸ را نگاه کنید. «قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الْمُعَوِّقِينَ مِنْكُمْ وَالْقَائِلِينَ لِإِخْوَانِهِمْ هَلُمَّ إِلَيْنَا وَلَا يَأْتُونَ الْبَاسَ إِلَّا قَلِيلًا». ببینید «قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الْمُعَوِّقِينَ مِنْكُمْ». این خوشخیالی‌ها جای پای معوقین را صاف می‌کند؟ معوق کیست؟ کسی که «وَالْقَائِلِينَ لِإِخْوَانِهِمْ هَلُمَّ إِلَيْنَا» به خودیها می‌گویند: آقا ول کن، بیا بنشین دیگر. انقدر چرا حرف می‌زنی؟ چرا انقدر هزینه درست میکنی؟ چرا اینقدر فکر میکنی باید بروی بجنگ؟ بس است دیگر. بنشین. ببین، این می‌شود معوق. این خیلی وقت‌ها زمینه را پیدا می‌کند در همین فضایی که حالا یک عده دلسوزانه می‌گویند که آقا امیدآفرینی کنید، کسی زنه‌ار هم ندهد. او از سر خدمت این را می‌گوید. آن موقع جای پای چه کسی را سفت می‌کند؟ جای پای معوق را سفت می‌کند. یک عده‌ای که کلاً می‌گویند آقا بنشین، حرف زن. اینها کسانی‌اند که «وَلَا يَأْتُونَ الْبَاسَ إِلَّا قَلِيلًا» اینها وارد جنگ‌ها نمی‌شوند. یعنی مرد جنگی نیست که نشسته حالدارد دعوت به سکوت می‌کند. مرد نجات است. اتفاقاً این مرد عدم مبارزه است. این کسی است که آن موقع دعوت به «هَلُمَّ إِلَيْنَا» می‌کند و معوق است و همه چیز را به نوعی عقب می‌اندازد.

عمل، فاصله بین خوش خیالی و رجاء

همه نوع درگیری‌ها را دارد به نوعی فضا می‌دهد و عقب می‌اندازد. آن موقع است که یک نکته خیلی مهم این است که ما فاصله بین. خوب دقت کن، این مهم است. فاصله بین امنیه که خوب دیدید قرآن به عنوان آرزوهای خوشخیالانه که امنیه را مطرح می‌کند که می‌گوید:

«تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ»، «لَيْسَ بِأَمَانِيكُمْ وَلَا أَمَانِي أَهْلِ الْكُتُبِ» می گوید آقا آرزو نیروی در ذهنتان. فاصله بین امید و رجا، پدیده ای به نام عمل است که حالا این را در مفصلش را در همین مناجات های قرآنی میگویم... «أَيُّ لَا أُضْبِعُ عَمَلٍ مِّنْكُمْ» عمل در حقیقت آن تفاوت کسی است که آرزو دارد و کسیکه امید دارد و عمل میکند. در روایت دارد که کسی که امید دارد عمل میکند.

اتفاقاً آدم امیدوار عمل می کند: «من رجا عرف رجاوه في عمله»، تفاوت این دو این است که یکی خوش خیالی میکند و نشسته است و یکی در حقیقت شرایط را تحلیل میکند، خطرات را می بیند، از آن ور امیدها را می بیند و اگر تا الان پنج واحد داشت حرکت می کرد الان ده واحد حرکت میکند.

این صفحه ۴۶۶ را بیاورید که برای اقامه حکومت مهدوی، آیه ۷۴ را نگاه کنید، پایین صفحه دارد که اینها بهشتی ها در بهشت که «قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَّهُ» حمد خدایی را که وعده اش را بر ما صادق کرد و «وَأَوْزَيْنَا الْأَرْضَ نَنْبُؤًا مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ» و آن موقع زمین را از بهشت، حیث نشاء، آنجایی که ما بخواهیم برای ما به میراث گذاشته است. این آیات میراث زمین آیات مهدوی هستند. درست است اینجا جنت را دارد می گوید ولی... مثل «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ». کلا میراث زمین، آیاتی که در حقیقت مهدویت در آن اشراف شده است و «وَأَوْزَيْنَا الْأَرْضَ نَنْبُؤًا مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ، اجر العاملين». بارک الله به عاملین. بارک الله به اجر عاملین. عاملین اینجا مهم است که اینها عمل کردند و به نتیجه رسیدند. می خواستم این توهمین که همه عبرت ها، تمام حقیقت بیان شکست ها و اینها را همه می گویند: نه، سوره را از دست دادیم. اتفاقاً ما هر چه بود حالا حکومت بشار شد بد این وسط. بابا این حرف بدی است. به هر جهت ما سوره، من کاری به بشار ندارم، سوره شریک کار ما بود در مقاومت و اتفاقاً داشت بخاطر مقاومت هزینه می داد. این را بدانید. حالا من می خواهم بگویم همه، حالا همه اش می شود آن (یا مثلاً میگویند) ما جزو افتخاراتمان است که در حقیقت سید حسن نصرالله چنین شد و چنان شد. آدم باید افتخار بکند به همچین چیزی. خب بله، یک موقع شما رجز می خوانید در مقابل دشمن همین را می گوید. کما اینکه امیرالمؤمنین می گفت: حمزه سیدالشهدا از ماست. به معاویه می گفتند حمزه سیدالشهدا از ماست. یعنی واقعا این در ما رشد کرده است. بله، امثال سلیمانی و امثال سید حسن نصرالله، اینها را در دامن شیعه وجود آمدند. اصلاً یک همچین آدم هایی در دامن مقاومت به وجود می آیند. ولی در اینکه خسارت بوده است، اگر نگویم و همینجوری رد کند، یک آدم احساس می کند که پشت گوش هاش مخملی است به عبارتی.

مَنْ نَامَ لَمْ يُنَمَّ عَنْهُ

من یک نکته پایانی بگویم و در این بخش یک نکته درباره جوانان سوری که به نظرم می آید خوب است که با این منطقی به عبارتی با جوانان سوری صحبت کنید. امروزه این خوب است که به هر حال شما خیلی راحت می توانید حرف هایی بزنید، جملات کوتاه بنویسید، اینها را به عربی ترجمه کنید، اینها را در جهان اسلام منتشر کنید و یک نهیب و هشدار به جوانان سوری واقعاً می شود دست به قلم شد. یک چند دانه لوزی هم ندارد که آدم یک مقاله نمی دانم چی بنویسد، ولی اینها خیلی راحت به عربی ترجمه می شود، به انگلیسی می شود. این را در ایستا هم نگذارید خواهشاً. این را توییت کنید. نمی دانم، در فضای تلگرام، در فضای اینستاگرام.

بله اگر خودش خطر را می گوید، امیدآفرین هم هست و دعوت به تلاش و بیعت مجدد می کند، این نه، این اصلاً مصداق مرجفون نیست. خود قرآن این کار را می کند. خود حضرت آقا اتفاقاً این کار را می کند. ببینید، یک فیلم هست از حضرت آقا. از این کارهایی که زیاد می کند. آقا حالا فیلمش را اگر خواستید پیدا می کنم، می گذارم در گروه. حضرت آقا می گویند که این یک نکته قرآنی خیلی تر و تمیز می گویند. میگویند که ایی که ما در ادعیه داریم «رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً رَحْمَةً». این اتفاقاً یعنی ما در معرض زیغ قلبیم و برگشت از آرمان ها هستیم، در معرض انحراف هستیم. این نهیب که سر جای خودش درست است که یعنی جامعه در معرض انحراف است. خوب یکی اش هم عمل است. عرض کردم جامعه در معرض انحراف استایشان استناد می کنند به آیات صف، سوره صف، که خدا زیغ ایجاد نمی کند. زیغ ایجاد نمی کند مگر اینکه خودت ایجاد کنی. «فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ». وقتی که منحرف می شوند، خدا منحرف می کند دل ها را. پس ریشه اش دست ماست. ریشه اش دست ماست.

یکی از بحث های مهم هم عمل است. ببینید، شما یک موقع هست که می گویی آقای مبارزه سخت شده است. خب الان اینجوری است. مبارزه سخت شده است. این علامت این است که جریان حق و باطل دارند به نقاط المپیک می رسند به عبارتی. از آن ور می دانید که جریان باطل، وقتی خیلی قوی می شود، یعنی اینکه جریان حق مقابلش به اندازه آن قوی می شود. یعنی می روند در نقطه اوج با همدیگر درگیر می شوند. هیچوقت مثلاً تیمچه میدانم برزلی نمی آید با تیم محلاتنمی دانم چی که بازی نمی کند که در زمین خاکی. تیم برزلی با تیم آلمان بازی می کند. خب یعنی این جریان به جریان های اوج درگیری می رسد. یعنی جریان حق پتانسیلی پیدا کرده که می تواند با جریان (باطل) مقابله کند.

اساساً تیم ایران را هیچوقت راه نمی‌دهد با برزیل بازی کند. خب چرا؟ تیم ایران اصلاً پتانسیلش را ندارد بازی کند با برزیل. همین آرژانتین و آلمان و ایتالیا و اینها باید با آن بازی کنند. اگر در حقیقت سطح درگیری دارد در آن حد طرح می‌شود، یعنی جریان حق پر از پتانسیل مبارزه با باطل شده است حالا آنکه این کار را می‌کند یا نمیکند یا مثل برزیل برزیلی بازی کن یا نه. ولی وقتی در حد همدیگر قرار بگیرند، خیلی سریع در مقابل همدیگر قرار میگیرند، جریان حق پتانسیل جهانی دارد پیدا می‌کند. این مهم است که آدم جایگاهش را بفهمد و بعد از جایگاهش را در نظر بگیرد و حمله کند و مراقب باشد. چه جوری حضرت آقا میفرمایند عبرت. مراقب باش و حمله کند، نه اینکه مراقب باشد و بنشیند. مراقب باشید اگر مراقب باشید بنشیند، خب این یک آدم خوش خیال است. به عبارتی اینجا باز دوباره بار این را از حضرت آقا شنیدید. «مَنْ نَامَ لَمْ يُمْ عَنهُ». اگر در اردوگاه بگیری بخوابی که (دشمن) نمی‌خوابد که. اینجور نیست که تو در اردوگاه بخوابی، آن هم می‌خوابد. نه، نمی‌خوابد.

دیدید در فوتبال می‌گویند بهترین دفاع از حمله است. نزی میخوری. ببینید، تهاجم به ائمه کفر، تهاجم به آمریکا، تهاجم کردن و روحیه تهاجمی داشتن، این خود یک شاخص است. اگر کسی گفته است ما دیگر یک خرده با آمریکا شلش کنخب معلوم است آدم در حقیقت...

خوب اینها همین چیز دیگری است. گاهی اوقات افراط و تفریط یعنی این. ببینید حضرت آقا فرمودند این فرمایشی که فرمودند جرم است، این استفاده از امر سلطانی است. می‌دانید که وقتی گفته می‌شود جرم است، یعنی اعلام جرم شد. اینجا طبیعتاً باید قوه قضائیه وارد شود، نمی‌تواند وارد نشود، زیرا حضرت آقا فرمودند جرم است. حالا قوه قضائیه خودش تحت تأثیر چه چیزهایی قرار می‌گیرد که حالا دیگر هر کسی بخواهد حرف بزند، بگو آقا تو مجرمی الان این می‌شود نتیجه‌اش می‌شود خفگی. یک عده انسانی که دارد می‌بیند چه اتفاق می‌افتد و اگر اینها را نهیب نزنند، زنهار ندهد، آن اتفاق می‌افتد. مردم هم در یک خوشحیالی جدی (هستند).

می‌دانند که وقتی فاو را پس گرفتند و آن جریانات اتفاق افتاد، تمام فرماندهان ما در یک همایشی در تهران بودند. وقتی که می‌گفتند که آقا فاو پس گرفته شد، اینجوری شد، آنجوری شد، اصلاً اینها باور نمی‌کردند. چرا؟ چون که اطلاعاتی که از صحنه آمده بود، رسیده بود به فرماندهان ما این بود که آقا همه چی تثبیت است. خب نتیجه‌اش همین شد. خب نتیجه‌اش این شد که فرماندهان ما همه در یک همایشی در تهران بودند، آنجا فاو را گرفتند، پس گرفتند. خب این مشکل می‌شود. آن موقع اگر ما حواسمان نباشد مهمین می‌شود.

جوانان، نیروی محرکه حکومتها

صفحه ۲۳۰ را هم بیاورید. من عرضم را اینجا تمام بکنم که گفتم این را خلاصه واقعاً جای نهیب زدن به جوانان سوری دارد. البته جوانان خودمان هم همینجور. هیچ حکومتی، هیچ پیغمبری بدون جوان جلو نرفته است. نه جوان پیاده نظام، نخیر، جوان سرکار. چون جوانی که سرکار است، نه اینکه سرکار است. خب ما یک مشکل یا ویژگی خصوصیتی در حقیقت کشور ما اتفاق افتاده که این کماکان یقه کشور ما را گرفته است. این باید به نوعی مطالبه بشود و درست شود این فضا. من یک موقعی به آقای قالیباف هم اتفاقاً گفتم و گفتم که یک ویژگی کشور ما پیدا کرده است، شماها ۱۷، ۱۸ ساله بودید، ۲۰ ساله بودید در مهم‌ترین آزمون الهی و کشوری و اینها شرکت کردید، رفتید جنگیدید، آمدید در سن ۲۸ سالگی خب با کوله‌باری از تجربه. سنتان هم ۲۸ ساله. خب نمی‌شود شما را کنار بگذارید که در ۲۸ سالگی که همه فرماندهان ما جنگ که تمام شده است، ۲۸ ساله، ۲۹ ساله، ۳۰ سالشان بوده اند. خب نمی‌شود اینها را کنار گذاشت. اینها شدند سد مستحکم برای دهه ۵۰ و ۶۰ یا فلان. همه‌اش اینها پشت سر اینها قرار گرفته‌اند و اینها هیچ آزمونهای جدیدی را ندادند و هیچ جای دیگری را فتح نکردند. نبودند در جاهای مدیریتی که باعث رشد می‌شود. آن حسن باقری در آن تولید می‌شود. خب در این آزمون‌ها حسن باقری‌ها تولید می‌کنند. خب و بعد بدنه در حقیقت لشکری ما، کشوری ما، وزرای ما، همه به همین صورت پیرمرد، پیرمرد دارند جلو می‌آیند. این یک مشکل است. خب یکی از مشکلات امروز کشور است که جوانش مگر تینکه خیلی دیگر فرصت بیشتری پیدا بکند مثلاً اینها که بیاید در این عرصه‌ها و کارزارهایی که حسن باقری‌ها را تولید می‌کند. ببینید که کماکان بعد از گذشت مثلاً نزدیک به ۴۰ سال از جنگ و در همین فضاها می‌بینید که کماکان این گروه می‌آیند بالا دوباره چون کنار نمی‌روند و هیچ سیستمی هم نیست که کنار گذاشته شوند اینها، کماکان می‌بینید که شما یک نگاهی به هیئت دولت خودمان بکنید، همینجوری است. یک نگاهی به سپاه خودمان بکنید، باز هم همینجوری است. خب یک نگاهی به ارتش ما بکنید، باز هم همینجوری است. یعنی ما فکر کنید یک جوان ۴۰ ساله‌حتی من نمی‌گویم جوان ۲۰ ساله مثل زمان جنگ، یک جوان ۴۰ ساله، یک عاقل مرد ۴۰ ساله، ۳۵ ساله و اینها (نمی‌تواند).

خب بله دیگر، برای همین است. اصلاً یکی از چیزهایی که آقای مخبر منصوب کردند همین نکته است. ولی خب تلقی نشده این موضوع. واقعاً تلخ است. من خودم با آقای مخبر خیلی به همدیگر زنگ می‌زنیم، دل می‌دهیم، قلوه می‌گیریم با آقای مخبر. منتهی خب به هر جهت بارنگ کردن مو انسان جوان که نمی‌شود. این یک چیز واضح است و خود این کار هم یک کاری است که اگر طرف جوان نباشد که نمی‌تواند

جوانان را و ارتباط با فضای جوانان نداشته باشد نمی تواند باشد. ببینید چه جوری آقا هر چه دست می کند، آرخش هم با یک سری سن و سال دار دارد. این یک مشکل در فضای کشور ما که باید حالا حل شود این موضوع در مورور زمان.

أَلَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَشِيدٌ

ببخشید وقتم دیر شد. من این آیه را بخوانم و این نهی است که حضرت لوط می زند، این مدلی خیلی به نظر من جای کار دارد. شما نگاه کنید آیه ۲۸، آیه ۷۸. وقتی آن میهمانان حضرت لوط می آیند و خلاصه قرآن گزارش جالبی می کند از اینکه جا و قومش آمدند مثل گاو «وَجَاءَهُ قَوْمُهُ يُهْرَعُونَ إِلَيْهِ». این اصل معنی این است که یک سری شتر تشنه به آب رسیدند، اینجوری همینجوری سرشان را می اندازند پایین، تنه می زنند. اینجوری مثل گاو بلند شدند، آمدند در خانه حضرت لوط. بعد می گوید: «وَمِنْ قَبْلُ كَانُوا يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ». این از سیئات. این خیلی مهم است. چرا یک همچین گناهی را انجام داد؟ به خاطر اینکه سیئه به سیئات تبدیل شده است. یعنی اینقدر گناه کرده که این خودش یک بحث معرفتی خیلی جدی دارد. عین همین بحث را در یک سوره دیگر بدارد که «كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبَائِثَ». هی خبیث انجام می دادند و می دادند، توبه هم نمی کردند و اینها را انجام داده اند.

ببینید، شیطان، نمی دانم دریل کاری تا حالا کرد یا نه. یک دانه سر دریل را می زنید، بعد از فشار می دهید. اول آن سر با دقت می زند، بعد از فشار می دهد. شیطان همین کار را می کند. یک همزه می گذارد. یک همزه. همزه دیگر کمترین حرف چیز عربی است. یک همزه می گذارد. به تعبیر قرآن «وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيْطَانِ» یعنی همین. یک همزه می گذارد، بعد دیگر فشار می دهد. خب من اگر دستش. خط خورد در آن همزه، وگرنه همینجور دیگر فشار می دهد. این هی گشاد می کند، گشاد می کند، به هزار تا چیز دیگر هم می رسد. یکهو می بینی سر از چی درآورد. سر از یک چیزی که اصلاً به تعبیر قرآن «مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِّنَ الْعَالَمِينَ». بعد می گوید: «قَالَ يَا قَوْمِ هُوَ لَاءِ». می گوید این دخترهای من بیابید سراغ اینها. دخترهای من همنه اینک دخترهای خودش که حالا می گویند چه پدری است مثلاً دخترش را به یک سری همجنس بازها بدهد. نه، دختران امتدخترانشان یا دختران «هُنَّ أَطَهَّرُ لَكُمْ» این با طهارت قرین است. «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُخْزُونِ فِي ضَرْبِي». من را در مورد چیزی رسوا نکنید. «أَلَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَشِيدٌ». ببینید این خیلی مهم است. آقا در شما مرد پیدا نمی شود؟ ببینید تحریک چیست؟ آن روحیه غیرت و مردانگی. آقا خیلی در این زمینه به نظر من قشنگ صحبت میکنند. هی نهیب به غیرت زدن و به مردانگی میزنند با آقا که مثلاً «أَلَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَشِيدٌ». در شما مرد نیست؟ یک آدم با شرف نیست؟

ببینید، این را به نظر می آید که این اصلاً نمی تواند خودش می تواند هشتگ شود می تواند تیتتر شود. «أَلَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَشِيدٌ». اصلاً شما با شرف دارید؟ اگر واقعاً در شما با شرف وجود داشته باشد، نباید این جریان تروریست ها را به اضافه جریان اسرائیل فلان و همه اینها، تحمل کند که خیلی سریع هم در می آید. الان دارند مثلاً کپسول گاز می دهند و از این چیزها می دهند. یعنی اینکه یک خرده خودشان را توجیه کند برای مردم، برای مردم سوریه. اما واقعاً این نکته را که «أَلَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَشِيدٌ»، در شما آدم با شرف نیست مثلاً؟ ... مرد ندارد در شما؟ به نظر می آید که آن حمله به فطرت آدمها (تاثیرگذار باشد). اینطور نیست که یک دانه آیه قرآن هم بخواند. شما وظیفه تان در آخرالزمان فلان است. نه اصلاً حمله به فطرت میکند. اصلاً هم حضرت ابراهیم و هم حضرت لوط پیامبران فطرتند. حمله می کنند به فطرت و فطرت ها را به جوش می آورند. «أَلَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَشِيدٌ». حالا یک مقدار طولانی شد. ببخشید. انشاء الله نکات دیگر را بنده عرض می کنم. صلی الله علی سیدنا محمد و آله و سلم.